

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیش نهاد آقای زهیم .
داور - لایحه قرائت شود .
نایب رئیس - چون لایحه خیلی مفصل است اگر آقایان مخالف نباشند در جلسه آتی قرائت شود و تکلیف آن معلوم شود .
آقای عدل الملک (اجازه)
عدل الملک - عرضی ندارم .
نایب رئیس - آقای کازونی (اجازه)
کازونی - عرضی ندارم .
نایب رئیس - آقای داور (اجازه)
داور - میخواستم استدها کم چند فقره راپورت از کمیسیون عرایض هست قرائت شود
نایب رئیس - آقا شافر مودید عرضی ندارم . آقای داور
داور - بنده عرایضم راجع بفرمایش آقای حائرزاده بود که فرمودند عرایضی که بنده کرده ام ممکن است سوء تعبیر یا تهمت و افتراء نسبت بایشان شده باشد بنده تصور میکنم باینکه ایشان ارادت بنده را نسبت بخودشان میدانند تصور این را نمی بایست بکنند که بنده میخواستم به ایشان يك تهمت و افتراء زده باشم و اگر اظهاری کرده ام شاید آنطوری که باید واضح باشد نبوده یافهم بنده مقتضی ادراک بیانات ایشان نبوده و در هر صورت ممکن است سوء تعبیر شده باشد .
و دیگر این که يك قسمت دیگر هم مذاکره فرمودند خواستم به بینم آن مذاکرات ثانی شان هم جزء اخطار بود یا این که خواستند موقعی بدست بیاورند و در ضمن دقایق خودشان را تکرار فرموده باشند؟
نایب رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - بنده يك عرض نظامنامه ای داشتم .
بموجب ماده ۸۳ در تمام مسائل باید بقیام و قعود رأی گرفت و در این مسائلی که از بعد از تغییر دستور پیدا شده است رأی گرفته نشده است
نایب رئیس - چه مسائلی؟
شیروانی - دستور قانون ممیزی بود و بعد مسائل دیگری مذاکره شد که در هیچیک رأی گرفته نشد
نایب رئیس - پیشنهاد کردند جلسه ختم شود بنده اظهار کردم کسی هم مخالف نبود چون مخالفی نداشت رأی نگرقتیم
بعضی از نمایندگان - صحیح است .
نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - بنده بعد از دستور عرض دارم .
نایب رئیس - بفرمائید
ارباب کیخسرو - در موقعی که آقای زهیم آن پیشنهاد را کردند بنده خواستم این عرض را بکنم اماموقعش گذشت و حالا عرض میکنم بنده امروز را يك روز مبارکی میدانم .
گذشته از آن اظهاراتی که آقای رئیس الوزراء کردند که در حقیقت يك وحدت نظر خیلی محکمی بین ملت و دولت برخلاف ادوار سابق و ادوار طولانی بود در ضمن مذاکراتشان يك مسئله را یاد آور شدند و آن مسئله اقتصادیات بود که من باب مقدمه هم يك قانونی پیشنهاد کردند برای اتخاذ ترتیبی در موضوع مطالبات اتباع داخله .
(اگر چه خجالت دارم عرض کنم ولی باید حقایق را گفت)
سالها بود امضای دولت معنی نداشت و ایشان برای اینکه مزید کنند بر سعادت مملکت و رابطه اقتصادی را بین ملت و دولت محکم کنند
این بود که این پیشنهاد را کردند برای یکمده اشخاصی که از اتباع داخله هستند و با دولت طرفیت داشته اند و مدت ها است بیچاره شده اند که هم برای آنها تکلیفی معین شود و هم برای آتی مردم با کمال امیدواری روابط اقتصادی خود را با دولت محکم کنند
از اینجهت بنده تصور میکنم آن پیشنهاد که آقای زهیم کردند خیلی اهمیت دارد و هر قدر فوریت ما آنرا بگذرانیم بیشتر با آن نظریات عمیق دولت موافقت کرده ایم
جمعی از نمایندگان - صحیح است .
نایب رئیس - جلسه را ختم میکنیم
جاسه آتی روز پنجشنبه سه ساعت قبل از ظهر دستور قانون ممیزی
جمعی از نمایندگان - قانون انتخابات .
نایب رئیس - بسیار خوب قانون انتخابات
(مجلس سه ربع بعد از ظهر ختم شد)
نایب رئیس مجلس شورای ملی سهام السلطان بیات منشی . علی اقبال الملک منشی . معظم السلطان
جلسه صد و بیست و نهم
صورت مشروح مجلس
یوم پنجشنبه اول حوت ۱۳۰۳ مطابق بیست و پنجم رجب ۱۳۴۳
مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از ظهر بر ریاست آقای موتمن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم سه شنبه بیست و هشتم داور را آقای میرزا جواد خان قرائت نمودند
رئیس آقای قائم مقام الملک (اجازه)
قائم مقام الملک - بنده قبل از دستور عرض دارم
رئیس - آقای تدین (اجازه)
تدین قبل از دستور عرض دارم
رئیس - آقای اخگر (اجازه)
اخگر - بنده قبل از دستور عرض دارم .
رئیس - آقای دامغانی (اجازه)
شریعت مدار دامغانی - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم
رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرادی نیست؟
(گفته شد خیر)
رئیس - آقای قائم مقام الملک (اجازه)
قائم مقام الملک - در دو جلسه گذشته در ضمن سؤالی که یکی از آقایان و کلام از آقای وزیر فرمود عامه راجع بجنگل ها کردند بنده کاری بسوال و جواب ندارم ولی در ضمن مذاکرات اظهاری شد که اصولا جنگل متعلق بدولت است .
چون چنین اصلی نیست و جنگلهای مازندران و گیلان متعلق بمردم است و هر ملکی که دارای جنگل نباشد آن ملک مرغوب نیست
و اساساً برای هر ملکی جنگل لازم است شاید دولت هم جنگل داشته باشد ولی چون چنین اصلی نیست یوبعلاوه در قانون اساسی هم ذکر شده است که قسمت هائی که برخلاف شرع است ممکن نیست قانونیت پیدا کند این است که بنده خواستم برای رفع سوء تفاهم که در ولایات سوء تفاهم نشود
این مسئله را عرض کرده باشم چون موقعیکه این اظهار شد کسی آن را رد و تکذیب نکرد خودم را مجبور میدانستم که عرض کنم
اصولاً جنگل مال مالک جنگل است و اگر دیگری ادعا داشته باشد باید به حکمه مراجعه کند
رئیس - آقای تدین (اجازه)
تدین - دو دو جلسه قبل مطالبی را نسبت باوضاع آسف آور مالیه و شرحی را که رئیس کل مالیه در هشتمین راپرت خودش نوشته بود بعرض مجلس رسانیدم بنده مقصودم این بود که يك تذکری

علاوه بر تذکری که مکرر داده شده است بوزارت مالیه داده شود و همچنین بر رئیس کل مالیه که در عرض اینکه وقت خودش را صرف این چیز ها میکند صرف اصلاحات مالیه بکند
بنده مقصودم مشاجره نبود ولی متأسفانه رفته رفته معلوم میشود که رئیس کل مالیه در مقام مشاجره و مناظره و کشمکش است شیروانی - صحیح است
تدین - منته بهرحسب اینکه خود مرا از کوچک ترین و حقیر ترین اعضا مجلس شورای ملی میدانم
بنابراین برای اینکه آقایان مسبوق باشند که وضعیت بکجا منتهی شده است عرایضی دارم بدون اینکه بخوام در در این باب زیاد بطول سخن قائل شده باشم عرض میکنم
يك مراسله بتاريخ ۲۹ برج دلونمره ۷۶۶۶ - از اداره محاسبات ریاست کل مالیه بشخص بنده نوشته شده است يك سواد هایم از روی آن برداشته که خطش خیلی شبیه بشب نامه است که برای بعضی آقایان دیگر هم فرستاده اند
بنده کار ندارم به آن قسمت های دیگر که نوشته است و آنها را هم قابل جواب نمیدانم
ولی يك قسمت مربوط بنده و يك عده از اعضا کمیسیون بودجه است که نمی توانم از آن صرف نظر کنم و آنرا بعرض آقایان میرسانم مینویسد: من قطع دارم اقدام اسف آوری که نسبت ببودجه ۱۳۰۳ معمول گردید
تقصیر معدودی از اعضا کمیسیون بود که شخص شما سر دسته آنها تشریف داشتید
اولاً از آقایان اعضا کمیسیون وثائقی از عدم آقایان نمایندگان معترم سؤال می کنم در موقعی که قانون بودجه در مجلس مطرح بود آیا بنده يك نفر از موافقین جدی آن قانون نبودم
بعضی از نمایندگان - چرا
شیروانی - متأسفانه
تدین - علی ایحال در اینجام بگوید
تقصیر بنده و معدودی بوده است این عبارتی بود که نوشته است
امضاء هم میلسیو - بنده چون این مطلب را برخلاف میدانم و نمی توانم قبول کنم
يك تقاضائی از مجلس محترم میکنم و آن این است حالا که ایشان می خواهند باینوسیله لافه روی کارشان بکشند ترتیب محاکمه از طرف مجلس بین من و میلسیو داده شود
اگر چنانچه این آدم توانست ثابت بکند که تقصیر این بودجه که بعقیده او اسف آور است یا بنده معدودی از اعضا کمیسیون بوده است

برای انجمن انتخاب شده اند معین شوند.

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - بنده نبودم و ملتفت نشدم چه فرمودند

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال -

کمیسیون تحقیق تشکیل خواهد شد. از دوفتر قضات درجه اول حوزه انتخابیه و چهار نفر اعضاء انجمن نظارت مرکزی الخ پیشنهاد آقایان شیخ محمد علی تهرانی و حاج سیدالمحققین

پیشنهاد مینمائیم ماده ۴۴ بترتیب ذیل اصلاح شود.

ماده (۴۴) کمیسیون تحقیق مرکب خواهد بود از چهار نفر از اعضاء انجمن نظارت و چهار نفر بقیه اشخاص که مطابق ماده چهارده انتخاب شده اند و حکومت یا نماینده او

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب مقام معترم ریاست. بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۴۴ و چهار نفر از نوع اصلاح شود - کمیسیون تحقیق مرکب است از هفت نفر سه نفر از اعضاء انجمن مرکزی و چهار نفر از اعضاء انجمن ایالتی و ولایتی

مخبر - اجازه میفرمائید؟ در ماده ۴۴ تقریباً در جلسه قبل مذاکراتی شده بود و آقای تهرانی هم در ماده ۴۵ یک پیشنهادی کرده اند که طبع و توزیع شده است.

رئیس - خیر؟ مذکره نشده است. آقای تهرانی قبلاً پیشنهاد کرده بودند. ماده ۴۴ و پنج قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۴ و پنج - در جاهایی که انجمن ایالتی یا ولایتی مطابق قانون تشکیل نباشد عوض چهار نفر مذکور در ماده فوق حکومت مکلف است چهار نفر از بقیه اشخاصی که مطابق ماده (۱۴) انتخاب شده اند بحکم قرعه برای عضویت کمیسیون معین نماید.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - عرضی ندارم

رئیس - آقای تهرانی (اجازه)

آقای شیخ محمد علی تهرانی - عرضی ندارم.

رئیس - معلوم میشود مخالفی نیست.

ماده ۴۴ و پنج قرائت میشود.

(باین شرح قرائت شد)

ماده ۴۴ و پنج و ششم - هر گاه شکایت پس از ختم انتخابات باشد بنوعی که انجمن

نظار باطل شدن اساس انتخاب را تصدیق نماید مراتب را بمجلس شورای ملی اظهار و حکومت نیز بوزارت داخله راپورت میدهد.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - در این ماده نوشته شده است (هر گاه شکایت پس از ختم انتخابات باشد) ختم انتخابات بعقد بنده وقتی است که انجمن نظارت اعتبار نامه را امضاء کرده باشد.

آنوقت انتخابات خاتمه پیدا میکند در این صورت باید این عبارت اصلاح شود نوشته شود متلایس از استخراج آراء یا یک عبارت دیگری و البته ختم انتخابات پس از دادن اعتبارنامه است و آنوقت هم شکایات باید بمجلس شورای ملی برسد.

باردر ماده نوشته شده است (بنوعی که انجمن نظارت باطل شدن اساس انتخاب را تصدیق نماید).

البته آقایان در نظر دارند که انجمن های فرعی از لحاظ اختیار در ردیف انجمن نظارت مرکزی اصلی هستند.

در اینجا بطور مطلق نوشته که انجمن نظارت باطل شدن اساس انتخاب را تصدیق نماید معلوم نیست کدام انجمن نظارت؟ انجمن نظارت فرعی نسبت بعرض خودش یا انجمن نظارت اصلی نسبت بتمام حوزه؟ یا نسبت بعرض فرعی محلی؟

مثلاً اگر انجمن نظارت حوزه فرعی بطلان انتخابات آن حوزه را تصدیق نماید و انجمن نظارت مرکزی بر عکس صحت آراء تصدیق کرد یا بر عکس انجمن نظارت فرعی صحتش را تصدیق کرد و انجمن مرکزی بطلان آن حوزه را تصدیق نماید چه عکس صحت فرعی صحتش را تصدیق کرد و انجمن مرکزی چیست؟ در رفع اختلاف با کیست؟

بملاوه با ترتیبی که در مواد ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ نوشته شده است بعقد بنده از این سه ماده هیچ معلوم نمیشود که کمیسیون تحقیق وقتی تشکیل شد نتیجه آن چیست و رائی که داده چه خواهد شد؟ و انجمن نظارت نسبت برای کمیسیون تحقیق خواهد کرد هیچ نتیجه بنده از این سه ماده نمی بینم و مقصود از اینکه انجمن نظارت باطل شدن اساس انتخابات را باطل بداند چیست اگر این بطلان بر اثر رای کمیسیون تحقیق خواهد بود؟

که باید توضیح شود و اگر هم مقصود این است که انجمن نظارت اساساً مستقل از انتخابات را باطل بداند این تقریباً منافی است با مواد سه گانه ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ بهر حال این ماده خیلی نواقص دارد و باید اصلاح شود و هم چنین نوشته مراتب را بمجلس شورای ملی اظهار و حکومت نیز بوزارت داخله راپورت میدهد.

و این مسئله بعقد بنده موجب خواهد شد که هیچوقت انتخابات تمام نشود و همیشه

هیئت نظارت و اشخاص ذینفع باین ماده متوسل میشوند و هیئت نظارت بطلانش را تصدیق میکنند و حکومت هم يك راپورت های بوزارت داخله می دهد و در نتیجه اسباب زحمت دولت و مردم و وزارت داخله را فراهم می کنند و انتخابات هم بجائی نمیرسد و مکتسبت مجلس هم بر اثر این ماده تشکیل نشود.

بملاوه این ماده باماده ۴۸ کاملاً متناقض است ملاحظه فرمائید.

ماده ۴۸ و هشت - در صورتیکه اکثریت هیئت نظارت از حضور در انجمن استنکاف نمایند پائس از ختم انتخابات از دادن اعتبارنامه خودداری کنند حکومت ملل و موجبات استنکاف آنان را تحقیق و اگر محظور قابل فرعی دارند مرتفع می سازد.

هر گاه با اینحال مضر در استنکاف باشند حکومت با حضور باقی اعضاء از سایر منتخبین بهمان عدد بحکم قرعه دعوت و انتخاب را خاتمه داده و مراتب را بوزارت داخله اطلاع میدهد در این ماده ۴۸ اختیار میدهد که اگر نظارت استنکاف کردند حکومت دیگران را دعوت کند که بیایند اعتبارنامه را امضاء کنند مکتسبت علت استنکاف مستنکفین از حضور برای این باشد که انتخابات را باطل بداند و مطابق ماده ۴۶ وقتی که انتخابات را باطل بداند باید مراتب را بمجلس و وزارت داخله اطلاع بدهند.

در این ماد نوشته شده است که اگر استنکاف کردند حکومت دیگران را باید دعوت کند که بیایند اعتبارنامه را امضاء کنند مکتسبت علت استنکاف مستنکفین از حضور برای این باشد که انتخابات را باطل بداند و مطابق ماده ۴۶ وقتی که انتخابات را باطل بداند باید مراتب را بمجلس و وزارت داخله اطلاع بدهند.

در این ماد نوشته شده است که اگر استنکاف کردند حکومت دیگران را باید دعوت کند که بیایند اعتبارنامه را امضاء کنند مکتسبت علت استنکاف مستنکفین از حضور برای این باشد که انتخابات را باطل بداند و مطابق ماده ۴۶ وقتی که انتخابات را باطل بداند باید مراتب را بمجلس و وزارت داخله اطلاع بدهند.

در این ماد نوشته شده است که اگر استنکاف کردند حکومت دیگران را باید دعوت کند که بیایند اعتبارنامه را امضاء کنند مکتسبت علت استنکاف مستنکفین از حضور برای این باشد که انتخابات را باطل بداند و مطابق ماده ۴۶ وقتی که انتخابات را باطل بداند باید مراتب را بمجلس و وزارت داخله اطلاع بدهند.

در این ماد نوشته شده است که اگر استنکاف کردند حکومت دیگران را باید دعوت کند که بیایند اعتبارنامه را امضاء کنند مکتسبت علت استنکاف مستنکفین از حضور برای این باشد که انتخابات را باطل بداند و مطابق ماده ۴۶ وقتی که انتخابات را باطل بداند باید مراتب را بمجلس و وزارت داخله اطلاع بدهند.

در این ماد نوشته شده است که اگر استنکاف کردند حکومت دیگران را باید دعوت کند که بیایند اعتبارنامه را امضاء کنند مکتسبت علت استنکاف مستنکفین از حضور برای این باشد که انتخابات را باطل بداند و مطابق ماده ۴۶ وقتی که انتخابات را باطل بداند باید مراتب را بمجلس و وزارت داخله اطلاع بدهند.

در این ماد نوشته شده است که اگر استنکاف کردند حکومت دیگران را باید دعوت کند که بیایند اعتبارنامه را امضاء کنند مکتسبت علت استنکاف مستنکفین از حضور برای این باشد که انتخابات را باطل بداند و مطابق ماده ۴۶ وقتی که انتخابات را باطل بداند باید مراتب را بمجلس و وزارت داخله اطلاع بدهند.

در این ماد نوشته شده است که اگر استنکاف کردند حکومت دیگران را باید دعوت کند که بیایند اعتبارنامه را امضاء کنند مکتسبت علت استنکاف مستنکفین از حضور برای این باشد که انتخابات را باطل بداند و مطابق ماده ۴۶ وقتی که انتخابات را باطل بداند باید مراتب را بمجلس و وزارت داخله اطلاع بدهند.

در این ماد نوشته شده است که اگر استنکاف کردند حکومت دیگران را باید دعوت کند که بیایند اعتبارنامه را امضاء کنند مکتسبت علت استنکاف مستنکفین از حضور برای این باشد که انتخابات را باطل بداند و مطابق ماده ۴۶ وقتی که انتخابات را باطل بداند باید مراتب را بمجلس و وزارت داخله اطلاع بدهند.

در این ماد نوشته شده است که اگر استنکاف کردند حکومت دیگران را باید دعوت کند که بیایند اعتبارنامه را امضاء کنند مکتسبت علت استنکاف مستنکفین از حضور برای این باشد که انتخابات را باطل بداند و مطابق ماده ۴۶ وقتی که انتخابات را باطل بداند باید مراتب را بمجلس و وزارت داخله اطلاع بدهند.

در این ماد نوشته شده است که اگر استنکاف کردند حکومت دیگران را باید دعوت کند که بیایند اعتبارنامه را امضاء کنند مکتسبت علت استنکاف مستنکفین از حضور برای این باشد که انتخابات را باطل بداند و مطابق ماده ۴۶ وقتی که انتخابات را باطل بداند باید مراتب را بمجلس و وزارت داخله اطلاع بدهند.

یا این است که نظارت را میکنند و در آن ماده استنکاف نظارت مثل اینکه در دوره سوم آقای ماضی باطل و انتخابات را تصدیق بداند.

در نزد تشریف داشتند انتخابات ولی وقتی که خود انجمن نظارت اصلی و ختم شد و هیئت نظارت دیدند که اثر کزری تصدیق کرد که فلان انتخاب مطابق میلشان نیست استنکاف کراطل است آنوقت بطور ممکن است هیئت تکرار می کردند که ما حاضر راپورت آن را بمجلس بدهد و بگوید بنده دوسیه را امضاء کنم.

بالاخره دولت مجبور شد يك ميشده را که در قانون هم پیش بینی نشد ولی اساس این انتخاب غلط و باطل دعوت کند و این دسته وقتی دیدند است آنوقت از این چه بیرون می آید.

شده حاضر شدند و انتخابات را خاتمه اگر مجلس بخواهد در این امر قضاوت در کرمانهم نمایند در کدام دور بکنند بطور میتواند حکمیت کند؟ نظیر این قضیه واقع شد این مواد برای زیرا خود انجمن نظارت که متصدی بیخی از این قضایا نوشته شده است و تمام انتخابات بوده تصدیق و اعتراف کرده بین آنها موجود نیست.

است که انتخابات باطل است و البته دلایل خلاصه اینکه اگر نظارت انتظام دو قسم است يك دلایلی است که میشود باطل بداند دوسیه را بمجلس میفرماید انتخابات باطل است.

اگر هم استنکاف کنند آنها متفصل بر ولی انجمن تصدیق نمی کند و يك دسته دیگری بجایشان می آیند و اولی هم هست که خود انجمن دیده و را خاتمه میدهد و اشکالی هم ندارد تصدیق میکند که انتخابات باطل است.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است (بعضی میکنند میتواند بگوید این انتخابات صحیح است؟

رئیس - آقای تهرانی اینجا مطلب درست روشن نیست این ترتیب علاوه بر اینکه عملی و منطقی نیست

آقا شیخ محمد علی تهرانی - این ماده ناقص و مبهم است و حالا بفرماید اینک ما عرضی ندارم

رئیس - آقای دست غیب است در اینجا نوشته شده است که تکلیف عملی بودن آن تصدیق کنیم باز ماده مبهم

رئیس - آقای دست غیب است در اینجا نوشته شده است که تکلیف عملی بودن آن تصدیق کنیم باز ماده مبهم

رئیس - آقای دست غیب است در اینجا نوشته شده است که تکلیف عملی بودن آن تصدیق کنیم باز ماده مبهم

رئیس - آقای دست غیب است در اینجا نوشته شده است که تکلیف عملی بودن آن تصدیق کنیم باز ماده مبهم

رئیس - آقای دست غیب است در اینجا نوشته شده است که تکلیف عملی بودن آن تصدیق کنیم باز ماده مبهم

پیشنهاد مینمائیم تبصره ذیل بماده ۴۶ اضافه شود.

تبصره ۲ - انتخابات باینکه برخلاف قانون انتخابات جریان باید باطل و موجب تجدید انتخابات خواهد بود.

رئیس - اجازه میفرمائید چند دقیقه تنفس داده شود؟

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده ۴۷ - هر گاه در حین جریان انتخابات بعضی از اعضاء انجمن نظارت از حضور در انجمن استنکاف نمایند مادام که اکثریت باقیست جریان انتخاب را تعقیب و بعضو مستنکف اخطار میشود چنانچه بر استنکاف خود باقی باشد انجمن بجای او از اعضاء منتخبه دیگر را بقرعه معین و انتخابات را خاتمه میدهد

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - عرضی ندارم

رئیس - آقای تهرانی (اجازه)

آقای شیخ محمد علی تهرانی - این ماده ناقص و مبهم است و حالا بفرماید اینک ما عرضی ندارم

رئیس - آقای دست غیب است در اینجا نوشته شده است که تکلیف عملی بودن آن تصدیق کنیم باز ماده مبهم

رئیس - آقای دست غیب است در اینجا نوشته شده است که تکلیف عملی بودن آن تصدیق کنیم باز ماده مبهم

رئیس - آقای دست غیب است در اینجا نوشته شده است که تکلیف عملی بودن آن تصدیق کنیم باز ماده مبهم

رئیس - آقای دست غیب است در اینجا نوشته شده است که تکلیف عملی بودن آن تصدیق کنیم باز ماده مبهم

انجمن بجای او بکنند دیگر را بقرعه تعیین میکند و انتخابات را خاتمه میدهد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - ماده ۴۸ - در صورتیکه اکثریت هیئت نظارت از حضور در انجمن استنکاف نمایند یا پس از ختم انتخابات از دادن اعتبارنامه خودداری کنند حکومت ملل و موجبات استنکاف آنان را تحقیق و اگر محظور قابل فرعی دارند مرتفع میسازد.

هر گاه با اینحال مضر در استنکاف باشند حکومت با حضور باقی اعضاء از سایر منتخبین بهمان عدد بحکم قرعه دعوت و انتخابات را خاتمه داده و مراتب را بوزارت داخله اطلاع میدهد.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - همانطور که قبلاً عرض کردم بعقد بنده مفاد این ماده مخالف با ماده ۴۶ است.

زیرا در ماده ۴۶ نوشته شده است که اگر نظارت باطل بودن انتخابات را تصدیق نمایند.

مراتب را بمجلس شورای ملی اطلاع میدهند ولی در این ماده نوشته شده اگر اکثریت نظارت از حضور در انجمن استنکاف کردند حکومت میتواند اشخاص دیگر را بقرعه کند تا انتخابات را خاتمه دهند.

ممكن است استنکاف و امتناع نظارت از همان بابت باشد که در ماده ۴۴ و ۴۵ قید شده است.

پس برای رفع این تناقض خوب بود در اینجا توضیح داده میشود که در صورتیکه اکثریت نظارت از حضور در انجمن استنکاف نمایند یا پس از ختم انتخابات از دادن اعتبارنامه خودداری کنند و مشمول مفاد ماده ۴۴ و ۴۵ شوند آنوقت حکومت میتواند سایرین را برای تکمیل امر انتخابات و دادن اعتبارنامه دعوت کند.

ولی اگر مشمول ماده ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸ و ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳ و ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴ و ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۲ و ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۵۹ و ۲۶۰ و ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ و ۲۶۴ و ۲۶۵ و ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۷ و ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۰ و ۲۸۱ و ۲۸۲ و ۲۸۳ و ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۸۸ و ۲۸۹ و ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۲۹۲ و ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و ۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ و ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۲۰ و ۳۲۱ و ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۳۲۴ و ۳۲۵ و ۳۲۶ و ۳۲۷ و ۳۲۸ و ۳۲۹ و ۳۳۰ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹ و ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۴۴ و ۳۴۵ و ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۵۰ و ۳۵۱ و ۳۵۲ و ۳۵۳ و ۳۵۴ و ۳۵۵ و ۳۵۶ و ۳۵۷ و ۳۵۸ و ۳۵۹ و ۳۶۰ و ۳۶۱ و ۳۶۲ و ۳۶۳ و ۳۶۴ و ۳۶۵ و ۳۶۶ و ۳۶۷ و ۳۶۸ و ۳۶۹ و ۳۷۰ و ۳۷۱ و ۳۷۲ و ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۳۷۵ و ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۰ و ۳۸۱ و ۳۸۲ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۳۸۸ و ۳۸۹ و ۳۹۰ و ۳۹۱ و ۳۹۲ و ۳۹۳ و ۳۹۴ و ۳۹۵ و ۳۹۶ و ۳۹۷ و ۳۹۸ و ۳۹۹ و ۴۰۰ و ۴۰۱ و ۴۰۲ و ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۰۵ و ۴۰۶ و ۴۰۷ و ۴۰۸ و ۴۰۹ و ۴۱۰ و ۴۱۱ و ۴۱۲ و ۴۱۳ و ۴۱۴ و ۴۱۵ و ۴۱۶ و ۴۱۷ و ۴۱۸ و ۴۱۹ و ۴۲۰ و ۴۲۱ و ۴۲۲ و ۴۲۳ و ۴۲۴ و ۴۲۵ و ۴۲۶ و ۴۲۷ و ۴۲۸ و ۴۲۹ و ۴۳۰ و ۴۳۱ و ۴۳۲ و ۴۳۳ و ۴۳۴ و ۴۳۵ و ۴۳۶ و ۴۳۷ و ۴۳۸ و ۴۳۹ و ۴۴۰ و ۴۴۱ و ۴۴۲ و ۴۴۳ و ۴۴۴ و ۴۴۵ و ۴۴۶ و ۴۴۷ و ۴۴۸ و ۴۴۹ و ۴۵۰ و ۴۵۱ و ۴۵۲ و ۴۵۳ و ۴۵۴ و ۴۵۵ و ۴۵۶ و ۴۵۷ و ۴۵۸ و ۴۵۹ و ۴۶۰ و ۴۶۱ و ۴۶۲ و ۴۶۳ و ۴۶۴ و ۴۶۵ و ۴۶۶ و ۴۶۷ و ۴۶۸ و ۴۶۹ و ۴۷۰ و ۴۷۱ و ۴۷۲ و ۴۷۳ و ۴۷۴ و ۴۷۵ و ۴۷۶ و ۴۷۷ و ۴۷۸ و ۴۷۹ و ۴۸۰ و ۴۸۱ و ۴۸۲ و ۴۸۳ و ۴۸۴ و ۴۸۵ و ۴۸۶ و ۴۸۷ و ۴۸۸ و ۴۸۹ و ۴۹۰ و ۴۹۱ و ۴۹۲ و ۴۹۳ و ۴۹۴ و ۴۹۵ و ۴۹۶ و ۴۹۷ و ۴۹۸ و ۴۹۹ و ۵۰۰ و ۵۰۱ و ۵۰۲ و ۵۰۳ و ۵۰۴ و ۵۰۵ و ۵۰۶ و ۵۰۷ و ۵۰۸ و ۵۰۹ و ۵۱۰ و ۵۱۱ و ۵۱۲ و ۵۱۳ و ۵۱۴ و ۵۱۵ و ۵۱۶ و ۵۱۷ و ۵۱۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰ و ۵۲۱ و ۵۲۲ و ۵۲۳ و ۵۲۴ و ۵۲۵ و ۵۲۶ و ۵۲۷ و ۵۲۸ و ۵۲۹ و ۵۳۰ و ۵۳۱ و ۵۳۲ و ۵۳۳ و ۵۳۴ و ۵۳۵ و ۵۳۶ و ۵۳۷ و ۵۳۸ و ۵۳۹ و ۵۴۰ و ۵۴۱ و ۵۴۲ و ۵۴۳ و ۵۴۴ و ۵۴۵ و ۵۴۶ و ۵۴۷ و ۵۴۸ و ۵۴۹ و ۵۵۰ و ۵۵۱ و ۵۵۲ و ۵۵۳ و ۵۵۴ و ۵۵۵ و ۵۵۶ و ۵۵۷ و ۵۵۸ و ۵۵۹ و ۵۶۰ و ۵۶۱ و ۵۶۲ و ۵۶۳ و ۵۶۴ و ۵۶۵ و ۵۶۶ و ۵۶۷ و ۵۶۸ و ۵۶۹ و ۵۷۰ و ۵۷۱ و ۵۷۲ و ۵۷۳ و ۵۷۴ و ۵۷۵ و ۵۷۶ و ۵۷۷ و ۵۷۸ و ۵۷۹ و ۵۸۰ و ۵۸۱ و ۵۸۲ و ۵۸۳ و ۵۸۴ و ۵۸۵ و ۵۸۶ و ۵۸۷ و ۵۸۸ و ۵۸۹ و ۵۹۰ و ۵۹۱ و ۵۹۲ و ۵۹۳ و ۵۹۴ و ۵۹۵ و ۵۹۶ و ۵۹۷ و ۵۹۸ و ۵۹۹ و ۶۰۰ و ۶۰۱ و ۶۰۲ و ۶۰۳ و ۶۰۴ و ۶۰۵ و ۶۰۶ و ۶۰۷ و ۶۰۸ و ۶۰۹ و ۶۱۰ و ۶۱۱ و ۶۱۲ و ۶۱۳ و ۶۱۴ و ۶۱۵ و ۶۱۶ و ۶۱۷ و ۶۱۸ و ۶۱۹ و ۶۲۰ و ۶۲۱ و ۶۲۲ و ۶۲۳ و ۶۲۴ و ۶۲۵ و ۶۲۶ و ۶۲۷ و ۶۲۸ و ۶۲۹ و ۶۳۰ و ۶۳۱ و ۶۳۲ و ۶۳۳ و ۶۳۴ و ۶۳۵ و ۶۳۶ و ۶۳۷ و ۶۳۸ و ۶۳۹ و ۶۴۰ و ۶۴۱ و ۶۴۲ و ۶۴۳ و ۶۴۴ و ۶۴۵ و ۶۴۶ و ۶۴۷ و ۶۴۸ و ۶۴۹ و ۶۵۰ و ۶۵۱ و ۶۵۲ و ۶۵۳ و ۶۵۴ و ۶۵۵ و ۶۵۶ و ۶۵۷ و ۶۵۸ و ۶۵۹ و ۶۶۰ و ۶۶۱ و ۶۶۲ و ۶۶۳ و ۶۶۴ و ۶۶۵ و ۶۶۶ و ۶۶۷ و ۶۶۸ و ۶۶۹ و ۶۷۰ و ۶۷۱ و ۶۷۲ و ۶۷۳ و ۶۷۴ و ۶۷۵ و ۶۷۶ و ۶۷۷ و ۶۷۸ و ۶۷۹ و ۶۸۰ و ۶۸۱ و ۶۸۲ و ۶۸۳ و ۶۸۴ و ۶۸۵ و ۶۸۶ و ۶۸۷ و ۶۸۸ و ۶۸۹ و ۶۹۰ و ۶۹۱ و ۶۹۲ و ۶۹۳ و ۶۹۴ و ۶۹۵ و ۶۹۶ و ۶۹۷ و ۶۹۸ و ۶۹۹ و ۷۰۰ و ۷۰۱ و ۷۰۲ و ۷۰۳ و ۷۰۴ و ۷۰۵ و ۷۰۶ و ۷۰۷ و ۷۰۸ و ۷۰۹ و ۷۱۰ و ۷۱۱ و ۷۱۲ و ۷۱۳ و ۷۱۴ و ۷۱۵ و ۷۱۶ و ۷۱۷ و ۷۱۸ و ۷۱۹ و ۷۲۰ و ۷۲۱ و ۷۲۲ و ۷۲۳ و ۷۲۴ و ۷۲۵ و ۷۲۶ و ۷۲۷ و ۷۲۸ و ۷۲۹ و ۷۳۰ و ۷۳۱ و ۷۳۲ و ۷۳۳ و ۷۳۴ و ۷۳۵ و ۷۳۶ و ۷۳۷ و ۷۳۸ و ۷۳۹ و

عمل میشود. آن شکایت را میشود گفت متکی بر قانونست؟ فقط چیزی که اینجا هست این است که مینویسد انتخاباتی که مبنی بر تهدید و تطمیع بود باطل است و فقط اساس شکایات را تهدید و تطمیع زایل داده اند. فرضاً اگر وزارت دادگستری مثل کرد دستور بدهد بجا که فلان شخص را انتخاب کند. بنده هم سندی پیدا کردم که حاکی از تصدیق این مطلب بود آیا میشود گفت که این شکایت متکی به مواد قانون است؟

پایانکه شکایت کردم که وزارت داخلی وقت حق نداشته است این کار را بکند و دستور بدهد که فلان شخص را حتماً از فلان جا انتخاب بکنند. آن وقت تکلیف این شکایات چیست؟ چون اینجا کاملاً معین نکرده است که این قبیل قضایا در انتخابات مؤثر است یا نه؟

پایانکه بنده اصولاً میخواهم شکایت کنم که فلان وزارتخانه حق ندارد مستقیماً در امر انتخابات دستور بدهد آن وقت ماده قانونی هم که راجع باین موضوع در اینجا نیست.

در اینجا هم که فقط نوشته شده است شکایاتی که متکی باده قانونی باشد. این است که بنده مخالفم با اینکه باین ترتیب نوشته شود و معتقدم که باید نوشته شود.

شکایاتی که باده قانونی یا دلالی مثبت نباشد. و اگر يك نقطه دلایل مثبت اینجا ضمیمه شود بمقدم بنده بهتر است و پیش نهادی هم در این خصوص تقدیم کرده ام.

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

فرمانده همانطور که اجازه داده میشود که اگر مردم شکایاتی داشته باشند اظهار کنند همانطور هم میبایستی يك راهی پیدا کرد که جای شکایات بی اساس را گرفت والا تمام وقت انجمن نظار و بعد هم وقت و کلای مجلس باید صرف استماع شکایاتی بشود که هیچ اساس ندارد و در اینجا برای جلوگیری از شکایات بی اساس این ماده نوشته شده است و اگر مواردی بنظر آقای یاسائی می آید که ممکن است يك شکایاتی از انتخابات بشود ممکن است آن موارد را پیشنهاد بفرمایند البته در صورتی که اکثریت تصویب بفرمایند جزء مواد قانون ذکر میشود و از شکایات بی اساس هم جلوگیری میشود و کمتر هم وقت در انتخابات تلف خواهد شد.

رئیس - آقای طهرانی

آقا شیخ محمدعلی طهرانی - (اجازه)
عرضی ندارم.
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - مخالفت بنده معکوس مخالفت آقای یاسائی است. اولاً همینطور که آقایان توضیح دادند باید شکایاتی و بلکه هر چیزی متکی بقانون باشد. والا هر اوراتی را بخواهیم بهش اهمیت بدهیم تولید اشکال میکند اینها مینویسد؛ شکایاتی که متکی بقانون نباشد چه در حق انتخاب وجه بعد از انتخاب رسیدگی نمیشود ولی در صورت مجلس ذکر میشود. ذکرش را بنده در صورت مجلس نمیدانم چه فایده دارد اینجا در عمل ما تجربه کرده ایم که در شعبه غالباً يك دوسه قطوری آورده میشود این قطارش هم دلیل بر سوء جریان انتخابات بود بعداً بدوسه مراجعه میکنیم میدیدیم يك مقدار زیادی اطلاعات خصوصی و مراسلات شخصی را با هم جمع کرده اند و در دوسه گذاشته اند در صورتیکه هیچ مربوط بشکایات نیست و اگر هم يك شکایاتی هست. بهیچوجه متکی بقانون نیست آنها را هم در دوسه ضبط کرده اند و در صورت مجلس هم نوشته اند و این ترتیب کاملاً اسباب زحمت است.

در کمیسیون تجدید نظر در نظامنامه هم ما راجع همین موضوع خیلی صحبت کردیم که بالاخره شعبه باید چطور رسیدگی کند و نظریه کمیسیون این شد که شعبه باید بشکایاتی که اولاً متکی بقانون باشد و ثانیاً در ظرف مدت معین شکایت رسیده باشد و خارج از این حدود هر شکایاتی برسد نباید گوش داد اعلام میشود مردم هم باید شکایات خودشان را اتکاء بدهند بقانون و مدت هم معلوم است و اگر بخواهیم غیر از این عمل کنیم شکایات معدوم نمیشود و بالاخره باید متصل بشکایات رسیدگی کرد و اینکه در قانون پیش بینی میکند که شکایات در يك مدت معین باید باشد برای این است که دامنه شکایات تا قیامت ادامه نداشته باشد و در هر صورت بمقدم بنده ذکرش در صورت مجلس لازم نیست.

مخبر - بعضی چیزها از نقطه نظر همین احساسات اهالی ضمیمه اش در دوسه برای مجلس شورایملی باشم که میخواهد رسیدگی بایشکار لازم است فرضاً اوراق سفیدی از توی صندوق بیرون میآید مثلاً در يك جایی که دوازده ورقه رأی بوده است بانصد ورقه سفید بیرون میآید که از آن اوراق احساسات اهالی راجع

بانتخابات معلوم می شود. باید چیزها، دیگری. مثلاً يك احساسات دینتی از حضرات انتخاب کنندگان معلوم میشود باینجهت نوشته شده است در صورت مجلس ذکر کنند ولی این مسئله را که آقای یاسائی میفرمایند وزارت داخله يك کسی را کاندیدای خودش قرار میدهد و در آن فلان مجلسی انتخاب میکند در اینقسمت البته اگر کاندیدای او تولید يك تهدید و تطمیع در محل نکند در اینصورت کس اعتراض خواهد کرد و اگر خبر بعکس باشد. البته بر طبق آن ماده که راجع به تهدید و تطمیع است شکایات میکنند و این که آقای شیروانی میفرمایند که بنده ضمیمه صورت مجلس بشود.

بنده عرض میکنم لازم است زیرا انجمن نظار کاملاً از قضایا مطلعند و اوضاع را می بیند. اهل محل هم که هستند و نظریه خود را مینویسند. این برای این است که آن شعبه مربوط یا مجلس شورایملی که میخواهد رسیدگی بکند اطلاع پیدا کند. از اینجهت لازم است ضمیمه شود جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است.

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند؟

بعضی از نمایندگان - بلی
رئیس - پیشنهادها قرائت میشود. (مضمون ذیل خوانده شد)
پیشنهاد آقای یاسائی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۵۰ بعد از متکی بمواد قانون اضافه شود (با دلائل منتهیه) پیشنهاد آقای ضیاء الواعظین - پیشنهاد منتهیه که در ماده ۵۰ بعد از جمله (شکایاتی که متکی بمواد قانونی) علاوه شود (بمستند بدلائل منتهیه)
رئیس - ماده پنجاه و يك (اینطور خوانده شد)
ماده ۵۱ متشکین از انتخابات یا از انجمن نظارت میتوانند پس از افتتاح مجلس شورایملی شکایات خود را در ظرف ماه اول بمجلس شورایملی اظهار نمایند و حکم مجلس شورایملی قاطع خواهد بود. شکایات راجع به انتخاباتی که بعد از افتتاح مجلس شورایملی بعمل می آید باید در ظرف ماه اول به از انحلال انجمن نظارت مجلس شورایملی اظهار شود.
رئیس - آقای یاسائی (اجازه)
یاسائی - این ماده بنظر بنده اشکالی جز اینکه يك تقصیر دارد و آن راجع به شکایاتیست که از ولایات میرسد در اینجا مدتی که برای این امر معین شده است اینست که بطور کلی نوشته شده در ظرف ماه اول برای متشکینانی که در

ولایات هستند و بقیه بنده همانطور که از ولایات هم معمول است خوب است برای هر چهار فرسخ علاوه شده معنی بنده مدت قانونی برای فلان شخص زمره شایری و سولدوزی که می خواهد شکایت برای هر چهار فرسخ بکروز علاوه شکایات برسد با يك ترتیبی بعد شکایات را در چه تاریخ بستاند بدهند برامکن است شاکی بول باشد که شکایت خود را بستاند و در هر صورت اگر برای آنها تا يكماه هر چهار فرسخ بکروز علاوه بنده دیگر مخالفتی ندارم.
رئیس - آقای اخگر (اجازه)
اخگر - طبیعی است اشکال شکایات از انتخابات می کنند اهل همان هستند و هیچوقت طهرانی از آنجا شکایت نمی کند و آن شخص شاکی نزدیک بجوزه فرعی است و یا نزدیک مرکز و شکایت خود را عنوان میکند فرم بعد از استخراج آراء وقت شده که شکایات برسد و بعد از آن همه هم وقت هست برای رسیدگی بشا و در اینصورت قطعاً اگر کسی شا داشته باشد و با انجمن نظار داده شود مجلس ارسال می شود بشورایملی و بعد از يك ماه از ختم آن می گذرد باز هم اگر شکایات دیگری بر آنکه داده است داشته باشد بمجلس شورایملی ارسال دارد و باین روی هم رفته يكماه و نیم وقت دارد بر آنکه ممکن است قبل از آن شکایات خود را با انجمن نظارت فرم یا مرکز بدهد و در اینصورت گمان اینصورت کافی باشد و اگر بیک مدت معینی معین شود رسیدگی بشکایات آنوقت ممکن تا آخر ده دوره تمام وقت مجلس را صرف کنند بر رسیدگی بشکایات زیرا هر انتخاباتی بشود يك ماه از آن باز خواهند بود و همه وقت مجلس را خواهند کرد پس بهتر است که بهیچ وجه اکتفا شود.
رئیس - آقای طهرانی
آقا شیخ محمدعلی طهرانی
عرضی ندارم
رئیس - آقای شیروانی
شیروانی - عرضی ندارم
بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
رئیس - پیشنهادها قرائت میشود (این طور قرائت شد)
پیشنهاد آقای ساکنان - بنده

چهارم لفظ ماه اول تبدیل به هفته اول شود.
پیشنهاد آقای یاسائی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۵۱ در باره شاکیان ولایات و ابالات هر چهار فرسخ مسافت بکروز علاوه منظور شود.
رئیس - ماد پنجاه و دوم (بشرح آتی خوانده شد)
ماده ۵۲ - انتخاباتی که مبنی بر تهدید یا تطمیع بوده باشد از درجه اعتبار ساقط است و تهدید یا تطمیع کننده از سه ماه الی يكسال محجوس میشود و برای يك الی دو دوره انتخابیه از حق انتخاب محروم خواهد بود.
رئیس - آقای یاسائی (اجازه)
یاسائی - بقول آقای وکیل الملک این ماده هم جزء تشریفات قانون انتخابات هست و يك ماده کش داری است در اینجا مینویسد؛ انتخاباتی که مبنی بر تهدید و تطمیع بوده باشد از درجه اعتبار ساقط است غالباً درش توضیحاتی نداده اند که کافی باشد از برای رساندن مقصود و غالباً بعضی آقایان اعضاء شبهه بعضی شعبات را که راجع به اعتبارنامه بود در موقعی که مشغول رسیدگی بودند وارد می دانستند و بعضی وارد نمی دانستند و بعضی میگفتند فلان مسئله تهدید است و بعضی میگفتند تهدید نیست و همچنین راجع بتطمیع که بعضی اوقات میگفتند این اقدام مثلاً بر تطمیع بوده و بعضی ها می گفتند تطمیع این طور نیست.
خلاصه بنده باین طوری که نوشته شده مبنی بر تهدید و تطمیع مخالفم و این را کافی نمیدانم و باید توضیحاتی داده شود.
دیگر از چیزهایی که در اینجا قید شده است این است که تهدید یا تطمیع کننده از سه ماه الی يكسال محجوس می شود و برای يك یا دو دوره از حق انتخاب محروم خواهد بود.
اینهم توضیح نشده است که از حق انتخاب کردن یا انتخاب شدن از هر دو محروم است و در هر صورت توضیح آن لازم است.
ظاهر اینست که از حق انتخاب کردن محروم است نه از حق انتخاب شدن و فردا ممکنست در همین لفظ اشکالاتی تولید شود.
خوبست اینرا هم توضیح بدهند دیگر اینکه راه تعقیب مجرم را می پاپست اینجا معین کرده باشند که چه کسی

باید مجرم را تعقیب کند و چه کس صالح برای تعقیب شخص تهدید کننده یا تطمیع کننده هست.
یک نفر از نمایندگان - مدعی العموم یاسائی - بلی مدعی العموم صالح است که هر مجرم و دزدی را تعقیب کند ولی در غالب موارد خودش مستقیماً نمیتواند و باید بر حسب يك تقاضای یا يك ارجاعی باشد و اینجا میبایست توضیح داده شود که حکومت یا انجمن نظارت باید ازمدهی - العموم تقاضای تعقیب کنند و الامدعی العموم خودش نمیتواند مترصد این باشد که ببیند فلان آدم تطمیع یا تهدید کرده و برود او را تعقیب کند و بدون اطلاع از انجمن نظارت تا حکومت معنی ندارد.
باید قهشود بتقاضای حکومت یا انجمن نظارت مدعی العموم آن کسی را که تهدید یا تطمیع کرده تعقیب نماید.
رئیس - آقای اخگر (اجازه)
اخگر - اشکال آقای یاسائی مبنی بر سه قسمت بود.
اولاً فرمودند کلمه تهدید و تطمیع کافی نیست بنده نمیدانم چه کلمه را میتوان بجای این کلمه تهدید و تطمیع گذارد که بتوان از آن کلمه بیشتر از کلمه تهدید و تطمیع استفاده نمود و اگر بنظر آقای یاسائی يك کلمه بهتری در عوض تهدید و تطمیع میرسد که بیشتر استفاده شود و موجب اشکال نشود.
ممکن است که پیشنهاد بفرمایند اما در موضوع محرومیت از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن بنده هم تصدیق میکنم که مهم است ممکن است آنرا هم پیشنهاد بفرمایند برود بکمیسیون ولی اینکه فرمودند صالح برای تعقیب قضایا کیست؟ البته عدلیه مرجع تظلمات عمومی است و وقتی نسبت بکسی تهدید یا تطمیع شده باشد البته آن شخص میتواند شکایت کند بدلیه و آن شخص تطمیع یا تهدید کننده تعقیب شود.
علاوه اگر به شخص مدعی العموم يك اطلاعی هم برسد میتواند تعقیب کند و تصور نمیکنم که تهدید یا تطمیع در يك جایی بشود که نه تهدید شوند و نه عدلیه هیچیک اطلاع پیدا نکنند و چنین چیزی را نمی توان گفت تهدید یا تطمیع بوده است.
رئیس - آقای طهرانی (اجازه)
آقا شیخ محمدعلی طهرانی - اصل انتخابات روی این ماده است شخص عاقل بهیچوجه من الوجوه ممکن نیست يك اقدامی بکند مگر از روی ترتیب

و قاعده
اگر کسی آمد و خودش را کاندید کرد برای وکالت و گفت مثلاً مسلك من فلان مسلك است یا مسلك من دست چپ است و یا مسلك دست راست هست و آنها را که آنجا هستند بیانات مرا استماع میکنند که من مثلاً میگویم اگر رفتیم در مجلس فلان مالیات را وضع میکنم یا نسخ می کنم.
این تطمیع است ولی تطمیع نوعی است و در نزد قضا و دانشمندان مطلوب است یا فرض بفرم يك کاندید دیگری می رود معایب آن کاندید اولی را میگوید که مثلاً اگر او را انتخاب کردید معایب این است که این شخص روابطه با اجنبی دارد انتخاب او مضر بحال مملکت است یا مسلكش مضر است بحال مملکت.
پس نقطه تطمیع یا تهدید که بطور مطلق اینجا ذکر شده است مفید هیچ فایده نیست و باید تهدید یا تطمیع شخص باشد و آنهم عبارتست از پول دادن یا اینکه بگوید اگر تو ایشکار را نکنی من تو را صدمه میزنم.
اینها باید از هم تفکیک شود. فرض بفرمایید يك انتخابی است که مبنی بر تهدید یا تطمیع نیست و يك کسی را شخصاً ملت مایل به انتخاب کردن است و او هم دو نفر دوست دارد و آن دو نفر دوست آمدند و يك کسی را تهدید و تطمیع کردند. این انتخابات چرا باطل است؟ این شخص که پنجهزار رأی دارد منتهی دو نفر بواسطه دوستی با او آمدند و در خارج دو نفر را تطمیع یا تهدید کرد و اندو رأی خریدند آن شخصی که پنجهزار رأی دارد چه تقصیری دارد؟
تقصیر با آن اشخاصی است که تهدید یا تطمیع کرده اند باینکه ممکن است يك شخصی از روی فرض خصوصاً يك نفر دیگر را تهدید یا تطمیع کرده و گفته باشد تو باید فلان آقارا انتخاب کنی و پنجهزار هم بگیری.
در اینصورت ممکن است يك شخصی که پنجهزار رأی بالطوع والرغبه و از روی حقیقت باو داده اند و يك نفر دیگر آمده است يك نفر را تهدید یا تطمیع کرده بگوید این آراه باطل است و این منطق ندارد و باید اینطور نوشته شود انتخاباتی که اساساً مبنی بر تهدید یا تطمیع بوده باشد که اساساً مبنی بر تهدید یا تطمیع است که اساساً مبنی بر تهدید یا تطمیع است و تطمیع هم شخصی باشد آنهم بیول دادن و گر تطمیع کند که من در مجلس فلان کار را میکنم این تطمیع اشکالی ندارد پس عبارت مهم است و باید اصلاح شود.
مخبر - اگر پیشنهادی بنظر آقایان می رسد بفرمایند تا به کمیسیون مراجعه

شود.
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
رئیس - کافی است؟
بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.
رئیس - پیشنهاد آقای شیخ جلال قرائت میشود.
(بمضمون ذیل خوانده شد)
انتخاباتی که مخالف با این قانون و مبنی بر تهدید و تطمیع باشد از درجه اعتبار ساقط است.
رئیس - ماده ۵۲ (بشرح ذیل قرائت شد)
ماده ۵۳ (انجمن نظارت مرکزی پس از انتخابات تا يك هفته شکایات راجع به انتخابات را می پذیرد و پس از آن پذیرفتن شکایات را ختم کرده در ظرف هفته ثانی بشکایات واصله رسیدگی می نماید.
رئیس - آقای یاسائی (اجازه)
یاسائی در اینجا اگر يك عبارتی اضافه می شد بهتر بود چون نوشته شده است تا يك هفته شکایات راجع به انتخابات را می پذیرد و پس از آن پذیرفتن شکایات را ختم کرده در ظرف هفته ثانی بشکایات واصله رسیدگی مینماید.
(پس از آن پذیرفتن شکایات را ختم کرده در ظرف هفته ثانی) باید در اثر رسیدن يك شکایاتی باشد والا اگر اتفاقاً يك هفته گذشت و هیچ شکایت نرسید دیگر هفته ثانی لزومی ندارد و باین ترتیب ممکن است دو هفته انجمن نظار معطل بماند. خوبست اینطور نوشته شود که اگر در هفته اول شکایات رسید در ظرف هفته ثانی رسیدگی میکند.
والا بعد از يك هفته انجمن را ختم می کنند.
مخبر - این مطلب معلوم است و اگر شکایاتی نرسید بدیهی است که در هفته ثانی نمی نشیند که بشکایات رسیدگی کند.
یعنی موضوع ندارد و خیلی متأسفم که نماینده محترم آقای یاسائی در هريك از این مواد اعتراضاتی میفرمایند ولی پیشنهاداتی که اصلاح کند این مواد را تقدیم مجلس نمیکند و آن ماده را که اعتراض فرمودند بنده منتظر بودم که پیشنهادی در آن خصوص تقدیم کنند ولی ندانند. اگر در این موضوع هم پیشنهادی دارند بفرمایند.
رئیس - آقای طهرانی (اجازه)
آقا شیخ محمدعلی طهرانی - عرضی ندارم.
رئیس - آقای شیروانی

(اجازه)

شیروانی - عرضی ندارم.
رئیس - شاهزاده شیخ رئیس

(اجازه)

شیخ رئیس - این ماده را ما عملاً دیده ایم که اجرا نشد و بلکه لغو شد.
برای اینکه ممکن است در هفته اول شکایاتی برسد و دوسیه های مفصل پیدا کند و بدیهی است در یک هفته اعضاء انجمن قادر بر رسیدگی تمام آن ها نیستند

بعلاوه اینکه نوشته اند در یک هفته رسیدگی میکنند این يك الزامی است برای انجمن نظار که در ظرف این مدت باید حتماً رسیدگی کنند و باز اگر مینوشند بازده روز بهتر بود زیرا این قابل اجرا نیست و نمیشود يك محکمه را ملزم کرد که مثلاً در ظرف یکروز یا پنج روز یک چیزی رسیدگی کند و بنظر بنده يك هفته کم است و باید بازده روز شود و پیشنهادی هم در این خصوص کرده ام اگر آقای مخبر قبول نمیکند جوابی بدهند که بنده را قانع کند و الا نمیشود در ظرف این مدت انجمن نظارت بشکایات رسیدگی کند مثل انتخابات تهران

مخبر - اگر خواسته باشیم مطابق فرمایش شاهزاده شیخ رئیس مدت را زیاد کنیم اسباب تأخیر کار انتخابات خواهد بود در هفت روز اول که شکایات را آقایانی تحویل میگیرند بالطبع مطالعه میکنند و تحقیقات میکنند منتهی رأی دادنشان در هفته ثانوی است و این نظریه حضرت والا یعنی ۱۵ روز را تأمین میکند.

رئیس - دیگر مخالفی نیست؟
(گفتند - خیر)
رئیس - پیشنهادها قرائت میشود.
(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای آفاشیخ جلال - جملات ذیل بماده ۵۳ اضافه شود چنانچه انتخابات را موافق با قانون دیدو شکایات را در حدود قانون انتخابات مؤثر در انتخابات ندانست اعتبار نامه به نماینده میدهد والا نظریات و عقاید خود را با ادله آن در ذیل دوسیه نوشته سواد نظریات مزبوره را بعنوان راپورت بوزارت داخله ارسال می دارد

پیشنهاد شاهزاده شیخ رئیس - پیشنهاد میکنم جزء آخر اینطور نوشته شود:
در ظرف بازده روز شکایات واصله رسیدگی مینماید.

رئیس - اگر تصویب میفرمائید بقیه مذاکرات بماند برای جلسه یکشنبه ۵ در جلسه گذشته يك لایحه از طرف دولت راجع بتأدیه مطالبات اتباع داخلی پیشنهاد شده است

گویا یکی از آقایان نمایندگان تقاضای فوریت کرده اند و بنا شده است

که امروز قرائت شود و تکلیفش معین شود ولی قبلاً فرض میکنم این پیشنهادی است راجع بترتیب صدور اسهام که در ظرف مدت بیست سال باید مستهلک شود و چیزی نیست که پس از تصویب مجلس قوراً برای طلب کارها بولی شود هشت صفحه هم هست معذالك اگر اجازه میفرمائید قرائت شود.

بعضی از نمایندگان - طبع و توزیع شود.

رئیس - برای تعیین فوریت طبع و توزیع شود؟ آقای زعیم نیستند؟

یک نفر از نمایندگان - خیر

رئیس - آقای ضیاء الواعظین راجع بفوریت فرمایش دارید؟

ضیاء الواعظین - بلی
رئیس بفرمائید.

ضیاء الواعظین - بنده تقاضا میکنم که طبع و توزیع شود بعد از آنکه طبع و توزیع شد بعد راجع بفوریتش رأی گرفته شود.

رئیس - مخالفی ندارد؟
بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - آقای عدل الملك (اجازه)

عدل الملك - بنده میخواستم عرض کنم لوایح مفیده ای داریم که حقیقتاً نافع است و باید از مجلس بگذرد من جمله لایحه اوزان و مقادیر که بنده خواستم تقاضا کنم این لایحه در جلسه آتی جزو دستور شود چون يك مسئله خیلی ناگهی است

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخر - بطوریکه عملاً مشاهده می شود قانون انتخابات چنانکه ملاحظه می فرمائید در هفته یکروز جزو دستور است و دارد پیشرفت میکند علیهذا بنده تقاضا میکنم که برای قانون نظام اجباری هم روزهای سه شنبه معین شود که زودتر قانون بگذرد و راجع به پیشنهاد آقای عدل الملك هم بنده مخالف نیستم ولی تصور میکنم خوبست بعد از لایحه ممیزی پیشنهاد کنند چون بعقیده بنده قانون ممیزی مقدم است و باید زودتر تمام شود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم مجلس را متذکر بیک مسئله که این بر خود بنده هم مشتبه است و آن مسئله راجع بامتیازاتی است که از کمیسیون فواید عامه گذشته و يك زمزمه هائی می شنوم که از این امتیازات جلوگیری میشود یکی مسئله بندرجز است یکی هم مسئله رب سوس است یکی هم مسئله بندر بیچاره خاله است راپورت اینها از کمیسیون فواید عامه گذشته و نمیدانم چه شده است که بکلی اینها متروک شده است و بنده

میخواستم در اول جلسه اساساً این موضوع صحبتی نکنم ولی چون صحبت های دیگری پیش آمد بنده کناره جستم که در این باب عرض نکنم ولی حالا بصدای بلند عرض میکنم که اول قدم اساسی برای این مملکت این است که این امتیازات عام - المنفعه داده شود و هر امتیازی که می آید جلوگیری میشود شنیدم کمیانی کتانه رفت و این مسعود الملك بیچاره هم که اینجا بود گویا رفت بیچاره خاله هم که از میان رفت نمیدانم چه چیز است آیا حقیقتاً از طرف دولت این لوایح پس گرفته شده است؟ اگر اینطور است علت پس گرفتن چه چیز است؟

مسئله رب سوس را هم حالا در آن لوایحی که بدست ما دادند بنده نمی بینم و بنده یک نفر از نمایندگان هستم هیچ اطلاعی از این قضایا ندارم یک نفر خوبست توضیح بدهد که این امتیازات چه میشود چه چاهی پیدا شده است که می رود آنجا بیرون نمی آید.

شیروانی - کشوی میز میلسیو
رئیس - آقای آفاشیخ جلال (اجازه)

آفاشیخ جلال - موقع عرض بنده گذشت

رئیس - شاهزاده غلامحسین میرزا
غلامحسین میرزا - عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده معتقدم که در جلسه آتی قانون ممیزی مطرح بشود

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

کازرونی - بنده معتقدم که در جلسه آتی قانون ممیزی مطرح بشود.

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده اجازه نخواسته ام

رئیس - آقای قائم مقام (اجازه)

قائم مقام - عرضی ندارم

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم عقیده ام این است تا قانون ممیزی نگذرد هیچ قانونی نباید مطرح شود شورا و لش تمام شود برود بکمیسیون بعد سایر قوانین بهیر دازیم.

رئیس - شاهزاده شیخ رئیس (اجازه)

شیخ رئیس - عرایض بنده هم گفته شده.

رئیس - آقای سردار عشایر (اجازه)

سردار عشایر - بنده هم عرض میکنم که چون سال نزدیک با آخر است باید قانون

ممیزی تمام شود بعد قانون انتخابات مطرح شود.

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - مقام ریاست مسجدها که سابقاً سئوالی راجع بعملیاتی که در مشهد نسبت بضیاء حضور شده است وزارت مالیه کردم استدعا دارم مقرر شود زودتر برای جواب حاضر شوند اگر موضوع سئوال را آقایان درست تحت نظر بیاورند ثابت میشود که اروضائف مهمه مجلس است که این مسئله را تعقیب کند این است که تقاضا میکنم مقرر فرمائید برای جواب آن سئوال زودتر تشریف بیاورند.

رئیس - تأکید میشود برای دستور روز یکشنبه و سه فتره پیشنهاد شده که باید رأی گرفته شود تا تکلیفش معین شود پیشنهادی آقای اخگر کرده اند که قانون نظام اجباری در دستور باشد.

اخر - بنده برای روز سه شنبه پیشنهاد کردم.

رئیس - پس باشد بعد رأی میگیریم و دستور روز یکشنبه اول قانون ممیزی پیشنهاد هم شده است که جز کمیسیون بودجه راجع بوزنه مجدداً اشرف و مشتشار دفتر جزء دستور شود.

مخالفی ندارد (گفتند خیر)

مجلس نيمساعت بعد از ظهر ختم شد

رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملك منشی - علی اقبال الممالک منشی - معظم السلطان

جلسه صدوسی صورت مشروح مجلس

یوم یکشنبه چهارم حوت ۱۳۰۴ مطابق بیست و هشتم

رجب المرجب ۱۳۴۳ (مجلس دوساعت و ربع قبل از ظهر)

بر ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

(صورت مجلس یوم پنجشنبه اول حوت را آقای میرزا جواد خان قرائت نمودند)

رئیس - آقای دامغانی شریعت زاده دامغانی - قبل از دستور عرض مختصری دارم

رئیس - آقای شیروانی شیریوانی - عرض بنده هم قبل از دستور است

رئیس - آقای شوشتری آقا سید محمد علی شوشتری - عرض بنده هم قبل از دستور است

رئیس - آقای افشار افشار - قبل از دستور

رئیس - گویا نسبت بصورت جلسه اشکالی نباشد.

(گفتند خیر)